

بررسی تاثیر نهادهای مدیریت شهری در توسعه شهری

زهرا علی‌زاده کافشانی

گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور واحد شهرضا

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تاثیر نهادهای مدیریت شهری در توسعه شهری انجام شده است. روش پژوهش کتابخانه‌ای به استفاده از کتب و مقالات و پایان‌نامه‌ها صورت گرفت. در این پژوهش، ماهیت و مفهوم مدیریت شهری و ارکان نظام مدیریت شهری که شامل شورای شهر و شهرداری می‌باشد و همچنین مدیریت شهری از منظر وظایف شورای شهر و شهرداری در ایران راکه به عنوان مهمترین نهاد مدیریت در سطح شهر مطرح هستند به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ضمناً به ساختار مدیریت شهری در ایران در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی به اجمال پرداخته شده است. و همچنین از منظر وظایف سازمان‌های بخشی دست‌اندرکار در امور شهری از جمله: استانداری، فرمانداری، مسکن و شهرسازی، شهرداری، شورای شهر، شورای تأمین شهرستان، عناصر غیر رسمی و غیره که به عنوان نهادهای مدیریت شهری در توسعه شهری دخیل هستند مورد بررسی قرار گرفته است و در آخر نیز نقش مدیریت شهری که یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار در گسترش و توسعه شهری در حال حاضر می‌باشد مورد بررسی واقع شده است.

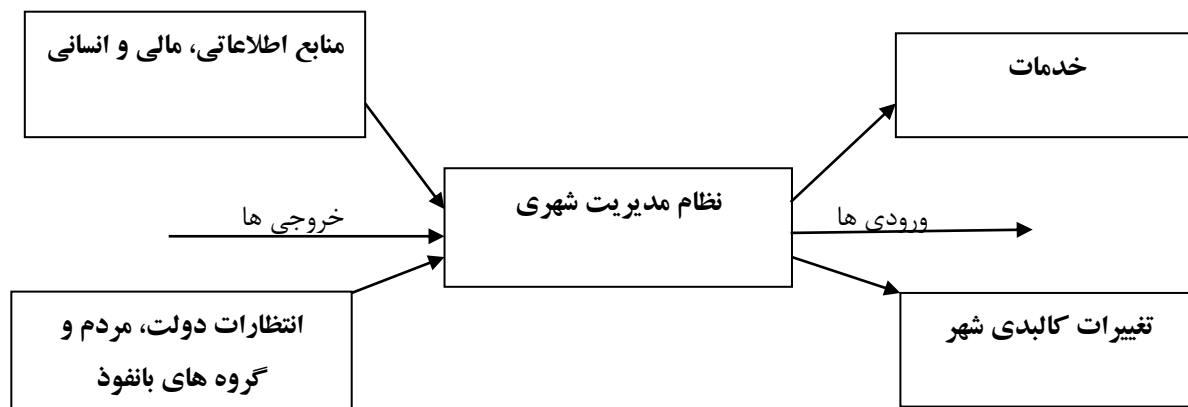
واژه‌های کلیدی: مدیریت، مدیریت شهری، توسعه، توسعه شهری

مقدمه

شهر سیستمی پویاست که عملکرد ساختارهای آن، پیوسته با هم تعامل دارند؛ برای تنظیم این روابط و پایداری سیستم، هماهنگی و یکپارچگی در مدیریت آن ضروری است و نمی توان کارکردهای مختلف شهر را به مدیریت منفک و بدون ارتباط باهم سپرد و انتظار بهبود وضعیت داشت. با توجه به تجربیات جهانی در هیچ شهری تمام امور محلی فقط توسط شهرداری ها انجام نمی شود، بلکه شهرداری ها همراه با دیگر خدمات رسان شهری دارای هماهنگی و همسویی اند و در سیاست ها و برنامه های خود دارای وحدت رویه و عملکرد هستند (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۱ و ۱۰). نظر به اینکه شهر حاصل هم پیوستگی مجموعه پیچیده ای از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر گذار بر آن است و نیز به علت اینکه شهر با تأثیر پذیری از عوامل بیرونی در سطح منطقه ای و ملی به صورت سیستمی باز عمل می کند. سازمان یابی و مدیریت شهرها نمی تواند جدای از ماهیت سیستمی آن باشد. (منافی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۳). سیستم مدیریت شهری مسئول اداره و هدایت تمام فضای جغرافیایی و عملکردهای شهری است و به این لحاظ، باید تمام عناصر و سازمان های ذریبط و تمام محدوده شهر را تحت نظارت و کنترل داشته باشند. داده های سیستم مدیریت شهری خواسته های دولت و شهروندان هستند و ستاده های آن که در طی فرآیندی از برنامه ریزی، طرح و اجرا بدست می آیند، توسعه کمیت و کیفیت زندگی شهری است (نجاتی حسینی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). شهر که پیچیده ترین و متنوع ترین جلوه های زندگی بشری را در خود دارد بدون وجود نظام مدیریت شهری که ضمن انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آن می پردازد، بی سامان می گردد. همچنین توسعه شهری نیز فرآیندی پویا تلقی می گردد که طی آن محدوده های فیزیکی شهر و فضای کالبدی آن در جهات عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی افزایش می یابد. و اگر این روند سریع و بی برنامه باشد به ترکیب فیزیکی مناسبی از فضاهایی نخواهد انجامید و در نتیجه سیستم شهری با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد شد. نبود مدیریت شهری مناسب که بتواند اهداف و راهبردهای اساسی و نوین را به اجرا در آورد به تضعیف سیستم شهر می انجامد. در ایران شهر دارای مهم ترین و اصلی ترین سازمانی است که اداره و مسئولیت مدیریت شهری را مستقیماً بر عهده دارد، که شکل کنونی آن پس از تدوین قانون بلدیه تأسیس گردیده است و از آن تاریخ شاهد تغییر و تحولات زیادی بوده است. همچنین شورای شهر در سال ۱۳۷۸ برای اولین بار به نمایندگی از طرف مردم در کنار شهرداری آغاز به کار کرد که بزرگ ترین هدف آن مشارکت دادن مردم در سیاست های مربوط به اداره شهر می باشد. بطور کلی شورای شهر به دلیل نداشتن تجربه کافی، مشخص نبودن جایگاه آن در مدیریت شهری و نبود پیشینه کافی در زمینه اداره شهر و غیره، با مانع و مشکلات متعددی روبرو هستند که رفع آن به بازنگری مداوم، همکاری و مشارکت تمام نهادهای ذریبط و نیروهای مؤثر نیاز دارد. اداره و مدیریت شهرها تحت تأثیر نیروهای بخش دولتی _ عمومی، جامعه مدنی و نیروهای بخش خصوصی صورت می گیرد. بنابراین شهر فرآیند تصمیم گیری جزء به جزء و جمعی این گروه هاست. از میان گروه ها برخی دارای قدرت رهبری بوده و بقیه از آنها تابع تبعیت می نماید. گروه های یاد شده به عنوان عوامل مؤثر در فضای شهری که به هدایت و توسعه شهر می پردازند. لذا در این پژوهش به بررسی تأثیر نهادهای مدیریت شهری در توسعه شهری پرداخته می شود.

مفاهیم

مدیریت شهری^۱: برای درک مدیریت شهری می توان آن را به یک نظام تشبیه کرد. نظام عبارت است از ترکیبی از اجزاء و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یک دیگر وابسته اند و روابط متقابل بین آنها به شکل خاصی سازمان یافته است. این سازمان یافتگی برای به انجام رساندن کاری، یا دستیابی به هدف خاصی است. مدیریت شهری نیز از قسمت هایی چون معاونت‌ها و سازمان‌ها یا اداره های وابسته تشکیل که بایکدیگر در قالب ساختمان واحد، روابط متقابل دارند. این ارتباط ممکن است ضعیف یا قوی باشد و مثل هر نظام یا سیستم دارای ورودی و خروجی است.



نمودار ۱

منبع: (احمد سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۲۰).

برخی از تعایف مدیریت شهری عبارتند از: مدیریت شهری عبارت است از ساماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر. با توجه به این شهر دارای نظامی باز است، مدیریت شهری بیش از حیطه کالبدی شهر را در بر می گیرد (صرافی، ۱۳۷۹: ۷۶). منظور کلی از سیستم مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیره رسمی مؤثر و ذی ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی حیات شهری با هدف اداره، هدایت و کنترل توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه (نجاتی حسینی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

شهرداری^۲: (براساس ماده ۵ قانون محاسبات کشور) سازمان عمومی و غیره دولتی است که دارای استقلال و شخصیت حقوقی بوده و تحت نظر شورای شهر که منتخب مردم است و نظارت دولت از طریق وزارت کشور برای انجام وظایفی که در قانون شهرداری آمده است، تأسیس شده است (عبداللهی، اکبری، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

توسعه^۳: فرایندی از تغییر و دگرگونی است که طی آن کل جامعه و نظام انسانی در جهت ایجاد جامعه ای بهتر و انسانی تر در حرکتند. توسعه تنها بعد اقتصادی را شامل نمی شود، بلکه سیستم اجتماعی، سازمان سیاسی و بالاخره ضوابطی که رفتارهای انسانی را در جامعه رهبری می کند را نیز شامل می شود. بر خلاف رشد که یک مقوله کمی است، توسعه یک مقوله کیفی است و از آنجایی که ارزشها به شرایط مطلوب و مورد نظر هر جامعه بستگی دارد و هیچ الگویی جهانی برای سنجش ارزشها وجود ندارد، لذا از این نظر مفهوم توسعه جنبه نظری و ارزشی داشته که از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به

¹ Urban management

² Municipality

³ Development

زمانی دیگر در حال تغییر است. به عبارتی دیدگاه ارزشی افراد در تبیین درجه توسعه در جامعه مهم می باشد (رحیمی، ۱۳۷۸: ۱۷).

توسعه شهری^۴: توسعه شهری می تواند عبارت باشد از گسترش هماهنگ و متعادل سطح اختصاص داده شده به ساختمان‌های مسکونی در یک شهر با سطوح مورد نیاز سایر کاربری‌ها و همچنین تجهیز این سطوح به تأسیسات، امکانات و تجهیزات مورد نیاز در سطحی استاندارد و قابل قبول. به عبارت دیگر در توسعه شهری باید به برابری و تعادل بین کیفیت و کمیت و آنچه که احداث می شود، از یک سو و از سوی دیگر به تعداد و اندازه جمعیت شهر نشینی که در این مناطق جای می گیرد، اهمیت داد. در حالیکه گسترش بی رویه شهرک‌ها و مناطق مسکونی و افزایش بی اصول و نابرابر سطوح مختلف شهری رشد شهر نام دارد. در واقع این مسئله را می توان از یکسو انبوهی جمعیت واز سوی دیگر ساختمان سازی صرف، بدون توجه به احتیاجات مورد نیاز در حال و آینده و به عبارتی افزایش کاربری مسکونی و تخصیص حداقل سرانه ها و فضاها بر سایر کاربری‌ها دانست و آنرا پیشی گرفتن رشد بر توسعه یا تقدم مقیاس بر عملکرد و برتری کمیت بر کیفیت دانست (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۳: ۴۲۴).

توسعه فیزیکی^۵: به افزایش کمی و کیفی کاربری‌ها و فضاهای کالبدی مسکونی، تجاری، مذهبی، ارتباطی و غیره یک شهر در ابعاد افقی و عمودی که در طول زمان انجام میگیرد، می توان گسترش فیزیکی اطلاق کرد (زنگی آبادی، ۱۳۹۶: ۳۸). به عبارت دیگر گسترش افقی و عمودی شهر و دگرگونی در بافت کالبدی آن توسعه فیزیکی نامیده می شود (شیعه اسماعیل، ۱۳۷۱: ۱۶۵).

کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری^۶: تشکل از نمایندگان وزارت کشور، قوه قضایه و نماینده مردم (شورای شهر) بمنظور تصمیم گیری در خصوص تخلفات ساختمانی به استناد ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها که دارای ۱۱ بند می باشد و تصمیم گیری ها نیز در قالب این چهارچوب و ضوابط ابلاغی می باشد.

ماهیت و مفهوم مدیریت شهری

مدیریت شهری در عطف به مفهوم و ماهیت مدیریت، باید شامل سازو کار برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، کنترل و هماهنگ‌سازی در اداره امور شهر باشد که اهداف آن در توسعه جامع نگرانه شهر و ارتقاء سطح رفاه و آسایش شهروندان قابل جمع بندی است. مسلم است که تحقق این هدف با بکارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی می تواند میسر شود. با توجه به آنکه شاکله و ماهیت شهر در قالب سیستمی متشکل از مؤلفه‌های گوناگون کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی، تجاری، حمل و نقل و ... شکل می گیرد طبیعت متنوع فضای شهری را می توان در فضاهای درهمکنش شهری اعم از فضای تجاری، فضای اجتماعی، فضای کسب و کار و فعالیت، فضای سرمایه گذاری، فضای فرهنگی و غیره در نظر گرفت (باستیه، ۱۳۹۲: ۱۷) که دارای ماهیت سیستمی است و نگرش و مدیریت سیستماتیک را می طلبد. با توجه به پیچیدگی و طبیعت متنوع فضای شهری، لازم است که تشکیلات مدیریت شهری حامل ماهیت چند سطحی و چند عملکردی در اداره امور شهر باشد و تمام عرصه‌های کالبدی و عملکردی شهر را تحت پوشش قرار دهد. با این اوصاف تنوع و ابهام در تعریف مدیریت شهری می‌تواند ناشی از تنوع نگرش موجود به ماهیت مدیریت شهری و سطوح مختلف از گستردگی شمول آن باشد.

⁴ Urban Development

⁵ Physical development

⁶ Article 100 s Commissio

به عنوان مثال در برخی نگرش‌ها، مراد از مدیریت شهری همان مدیریت عمومی (عملکرد سازمان‌های دست اندرکار در اداره شهر) است و در برخی تعاریف، کلیه فعالیت‌ها و سازوکارهای لازم برای رشد و توسعه شهری در ذیل مفهوم مدیریت شهری می‌آید (سعیدی رضوانی و کاظمیان، ۱۳۹۳: ۵۵-۵۶). از سوی دیگر روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر نیز از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. با این اوصاف در استناد به برخی از تعاریف و مباحث صورت گرفته در خصوص مدیریت شهری می‌توان گفت که نظام مدیریت شهری مشتمل بر سازوکاری است که در آن تمامی نهادها، سازمان‌ها، ارگان‌ها، تشکلهای و افراد تاثیر گذار در اداره امور شهر دخیل هستند و به ایفای نقش در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر می‌پردازند. هماهنگی و هم افزایی عوامل دست اندر کار در اداره امور شهر که در ساز و کارهای مشخصی می‌تواند جریان داشته باشد به انسجام در مدیریت شهری و اداره، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر کمک می‌کند. بنابراین دایره تعریف مدیریت شهری به مراتب گسترده‌تر از تشکیلات سازمانی و اجرایی شهرداری و شورای شهر است و لازم است که شهرداری و شورای شهر به عنوان هسته اصلی مدیریت شهری، علاوه بر انسجام درون سازمانی در حیطه تشکیلات خود، دارای هماهنگی فعال با عوامل برون سازمانی دست اندرکار در اداره امور شهر باشند (سعیدینیا، ۱۳۷۹: ۴۹؛ صرافی، ۱۳۷۹: ۸۱؛ شهبان، ۱۳۸۳: ۵۰؛ رضویان، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۲۳ و غفاری گیلانده، ۱۳۸۶: ۲۱۳-۲۱۴). شکل زیر عامل‌های دست‌اندرکار در مدیریت شهری را نشان می‌دهد.



شکل (۱) عامل‌های دست‌اندرکار در مدیریت شهری.

در ایران شهرداری به عنوان مرجع محلی، دارای نقشی کمرنگ و حاشیه‌ای در رابطه با پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، تجاری و خدماتی شهرهاست که به جدا افتادگی شهرداری از بسیاری از عرصه‌های فعالیت و حیات شهری منجر می‌شود. عوامل تشدیدکننده این شرایط که از موانع ایجاد مدیریت واحد شهری است عبارتند از اینکه: (۱) ذهنیت موجود به محدود کردن شهرداری به دایره تنگ خدمات مرسوم خو گرفته است. این خدمات طی دهه‌ها انجام شده و دایره آن به امور اقتصادی، اجتماعی و امثالهم گسترش نیافته است. (۲) بر اثر فقدان ذهنیت در امر مدیریت واحد شهری، بسیاری از امور شهرداری و

مدیریت شهری به نهادهای دولتی و سازمان‌های بخشی واگذار شده و وجود قوانین و مقررات، پشتوانه و توجیه گر چنین واگذاری بوده است به عنوان مثال به موجب قانون شهرداری‌ها (مصوب ۱۳۳۴) شهرداری در کل دارای ۵۳ وظیفه بوده است اما به موجب اصلاحات و الحاقات بعدی این وظایف یاد شده به کمتر از نصف کاهش یافته و یا به صورت مشترک توسط شهرداری و ادارات دیگر انجام می‌گیرد. البته باید توجه داشت که شهرداری می‌تواند، هم در نقش مسئول و هم در نقش بسترساز و همکار در مدیریت شهری ایفای نقش کند. کاستی‌های مترتب بر عملکرد شهرداری در نقش اول عموماً ناشی از قوانین و مقررات بوده است که به موجب آن بخشی از مدیریت شهر در اختیار شهرداری قرار گرفته و سازمان‌های دولتی دیگر به تناسب وظایف بخشی خود در ادا امور شهر ایفای نقش می‌کنند با وجود این کاستی‌های عملکرد شهرداری در نقش دوم تا اندازه‌ای می‌تواند ناشی از کم توجهی به قضیه و یا غفلت باشد (معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۸۳: ۸۴-۶۷). هر چند که اصلاح قوانین و مقررات، پیش شرط اصلی در بازتعریف وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مختلف در مسیر تحقق مدیریت واحد شهری است، اما بدون شک، قسمتی از نقش کم‌رنگ شهرداری در بستر سازی برای توسعه یکپارچه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری و غیره ناشی از غفلت‌ها و کم توجهی‌هایی باشد که در نگرش به رسالت و جایگاه شهرداری وجود دارد. بنابراین شهرداری می‌تواند با هماهنگی موثر با سازمان‌ها و عوامل دیگر دست‌اندرکار در امور شهر و نیز با انجام اقدامات برنامه‌ریزی شده در جذب مشارکت‌های مردمی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی نقشی به مراتب پررنگ‌تر در توسعه و رشد شهری داشته باشد. در این راستا شهرداری‌های شهرهای بزرگ به تناسب تشکیلات و امکانات گسترده‌تری که دارا هستند به طور ویژه‌ای می‌توانند قدرت مانور بیشتری در عرصه‌های یاد شده داشته باشند. در فرایند هماهنگی و هم‌افزایی با عوامل دست‌اندرکار در اداره امور شهر، شهرداری بواسطه (۱) اشتراک در وظایف یا نزدیکی وظایف (۲) اشتراک در محدوده جغرافیایی فعالیت (عرصه‌های کالبدی فضای شهری) و (۳) لزوم برقراری تعاملات و مکاتبات اداری با سازمان‌های بخشی و دولتی (مزینی، ۱۳۷۸: ۱۱۹) می‌تواند گام‌های موثرتری در گسترش همکاری نزدیک با عوامل مذکور داشته باشد. خواسته‌های دولت و شهروندان را می‌توان داده‌های سیستم مدیریت شهری، و توسعه کمیت و کیفیت زندگی شهری را ستانده‌های آن دانست (کاظمیان، ۱۳۷۵: ۶۴). مفهوم مدیریت شهری در تعاریف کل‌نگر از مفهوم صرف اداره امور شهرفرآتر می‌رود و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند می‌یابد و نقش فعال‌تری در توسعه شهر پیدا می‌کند. در این نگرش مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک تلقی می‌شود که ضرورتاً با نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز همراه است و به همین دلیل تعامل آن با حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌ناپذیر می‌شود. مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۴۶).

مفاهیم مطرح شده در ذیل تعریف مدیریت شهری، دلالت بر انعطاف‌پذیری مدیریت شهری دارند. چرا که نظام مدیریت شهری متشکل از عناصر و اجزاء بهم پیوسته‌ای است که باید در تعامل و ارتباط با هم در نظر گرفته شوند و آنچه که امروزه در هدایت این نظام اهمیتی ویژه دارد توانایی آن در انعطاف‌پذیری است. نظام مدیریت شهری یک سیستم پویا و باز است و با انواع فراسیستم‌ها و زیرسیستم‌های متعدد در ارتباط است. بنابراین با توجه به متغیرهای بسیار و محیط ناهمگن و متنوعی که مدیریت شهری در آن قرار دارد، این نظام باید به روش باز عمل کند و ساختارهای خشک و غیر قابل انعطاف را از خود دور سازد و دارای این توانمندی باشد تا با محیط اطرافش سازگار شده و ضمن حفظ کلیت خود به تبادل پویا با محیط بپردازد. در سایه مدیریت شهری کارآمد می‌توان به تحقق اهداف زیر امیدوار بود:

- ۱- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم درآمد
- ۲- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
- ۳- حفاظت از محیط کالبدی شهر.

به این ترتیب همه بخشها و نهادهای مسئول اداره امور مختلف شهر اعم از فرهنگی، اجتماعی، آموزش و پرورش، اوقات و فراغت، بهداشت عمومی، توسعه کالبدی، امنیت و نظم محلی، زیر ساخت ها و تجهیزات شهری و ... تحت پوشش سیستم مدیریت شهری قرار می گیرد (کاظمیان، ۱۳۷۸: ۱۲). یکی دیگر از رویکردهای پایه ای در مفهوم مدیریت شهری حکومت محلی است. حکومت محلی نهادی قدیمی با مفهومی جدید است که ریشه در تاریخ گذشته بشر دارد و در زمان های دور با مطرح شدن مدیریت اجتماعات بشری، پا به عرصه هستی نهاده است. خودگردانی یکی از نیازهای طبیعی انسان است؛ به گونه ای که انسان ذاتاً و فطرتاً خواهان مشارکت در سرنوشت و اداره امور مربوط به خود است (مقیمی، ۱۳۸۲: ۱).

حکومت محلی^۷، نظامی است که با اعمال قدرتی مشروع برآمده از اراده شهروندان، به عملکردهای مشترک و تأمین رفاه عموم در محدوده، زندگی شان نظم می بخشد حکومت محلی، بر حسب نوع سکونتگاههای قلمرو خود، می تواند صرفاً شهری یا روستایی و یا مجموعه ای از هر دو باشد. حکومت شهر^۸، مجموعه سازمان های مسئول اداره شهر را در بر می گیرد و متکی بر نهادهای رسمی است. اما حاکمیت شهر، فرایندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان ها و نهادهای رسمی کنترل و هدایت توسعه شهر از یک طرف، و سازمان های غیردولتی جامعه مدنی یا عرصه عمومی از طرف دیگر شکل می گیرد (برک پور، ۱۳۹۸: ۱۹۱).

همانگونه که ذکر گردید از مهمترین حکومت‌های محلی شهرداری‌ها هستند. وجود این سازمان از هنگامی ضرورت یافت که برآورده ساختن نیازهای افراد بشر، از عهده تک تک آنها خارج گردید و لازم شد سازمانی این نیازها را بطور مشترک برآورده سازد. واژه شهرداری معادل لغت انگلیسی Municipality است. این لغت از ریشه لاتین Municipum از مفهوم جمیع سکنه یک محل که به خاطر منافع مشترک خود جمع شده اند، اقتباس شده است. لغت Municipality در برخی کشورها فقط به معنی شهرداری یا واحد محلی اداره کننده شهر است و در برخی دیگر به دو معنی به کار می رود ۱- شهر ۲- شهرداری.

با توجه به آنچه ذکر گردید، واژه مورد نظر، به هر دو حوزه اداری و عملی شهرداری اشاره نموده است. مشخصات شهرداری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است اما می توان حوزه شهرداری را بطور کلی با خصوصیات زیر تعریف کرد: ناحیه ای است که بوسیله مرزهای اداری معین و مشخص شده است، ویژگی مسلط شهری دارد و معمولاً توسط یک مجموعه از مأموران برگزیده محلی اداره می شود و در محدوده یک واحد حکومتی بالاتر مثل فرمانداری قرار دارد. مجموعه اداری شهرداری نیز سازمانی محلی و غیر دولتی است که به منظور اداره امور محلی و ارائه خدمات لازم با هدف مدیریت و توسعه کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در محدوده تعریف شده از سوی قانونگذار که معمولاً شهر و اطراف آن می باشد، به فعالیت می پردازد. شهرداری سازمانی منتخب است که مشروعیت خود را از انتخاب کنندگان می گیرد. در چارچوب قانونی از استقلال نسبی برخوردار است و تشکیل آن از حق حاکمیت ملی نشأت می گیرد. قدرت شهرداری ناشی از قانون اساسی یا قوانین عادی و تصویب نامه ها و آیین نامه های قوه مجریه می باشد. مجموعه اداری شهرداری از دو جزء تشکیل شده است:

⁷ Local Government

⁸ Urban Governmen

الف- شوراها یا انجمن شهر که قوه مقننه و ناظر بر عملکرد بخش اجرائی شهرداری است (شوراها یا انجمن شهر بطور مستقیم بوسیله مردم انتخاب می شوند).

ب- دستگاه اجرائی شهرداری که وظیفه اجرای مصوبات شورای شهر و انجام سایر وظایفی که به موجب قانون بر عهده شهرداری می باشد را بر عهده دارند.

مسئولیت اجرایی شهرداری، برعهده شهردار است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (توسط شورای شهر) برگزیده مردم می باشد (نجاتی حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۱۳).

ارکان نظام مدیریت شهر

دو نهاد اصلی ساختار مدیریت شهری را بوجود می آورد نخست شورای شهر دوم شهرداری است، که در رأس هرم اجرای شهر قرار دارند. در ایران ساختار مدیریت شهری از بسیاری جنبه ها شبیه چنین نهادهایی در بیشتر شهرهای جهان است. یعنی در همه این کشورها دو رکن عمده ساختار مدیریت شهری، شوراها و شهرداری هستند. در این قسمت به بررسی هر کدام از این ارکان و تاریخچه مختصر آنها که در واقع تاریخچه مدیریت شهری نیز می باشد می پردازیم:

شورای شهر

انتخابات شورای شهرهای کشور نخستین بار در اسفند ماه سال ۱۳۷۷ صورت گرفت. البته تشکیل شوراها در شهر در ایرن بی سابقه نبود. در قانون بلدیه سال ۱۲۸۶ ه.ش تشکیل انجمن بلدیه که نام آن روز شورای شهر بود، و می توان آن را نخستین اقدام در جهت مردمی کردن مدیریت شهری در ایران به شمار آورد، پیش بینی شد. اما دیری نپایید. زیرا چهار سال پس از تولد، دولت موقت اجازه انحلال چنین نهادی را از مجلس شورای ملی آن روز دریافت کرد. نخستین وعده ترین دلیل این مسئله، خواست شهروندان بانفوذ و ثروتمند بود، که تشکیل چنین انجمن هایی را که اعضای آن به رأی عامه انتخاب می شدند، مخالف خود یا خودرایی و منافع خود می دیدند. دولت موقت نیز با این انجمن ها میانه خوبی نداشت. زیرا می دید که با تشکیل آنها برای خود رقبای آفریده است، که ممکن است از نفوذ کارگزاران دولتی بکاهد. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق قانون جدیدی به نام قانون تشکیل شهرداریها و انجمن های شهر به تصویب رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نمایندگان این انجمن ها اکثراً متنفذین و از عوامل گوش به فرمان شاه بودند و مانند نمایندگان شورای ملی از خود اراده و اختیاری نداشتند. اما تشکیل شورای اسلامی شهر در سال ۱۳۷۷ در ساختار مدیریت شهری ایران فصل نوینی را پدید آورد. و تا آنجا که به رأی مردم مربوط می شود. و از سالم ترین انتخاباتی است که در ایران سابقه داشته است (مزینی، ۱۳۷۹: ۴۷).

شهرداری

دومین رکن اساسی ساختار مدیریت شهری، شهرداریها هستند. در گذشته اداره شهرهای ایران به دست مقامی بود به نام کلانتر که تا حدودی وظایف شهرداریها را به عهده داشت. در دوران قاجار که آغاز هنگامه چالش های سنت و مدرنیته در ایران است، رفته رفته از اهمیت کلانتر کاسته شد، تا آن که با نوسازی اداری در اوایل قرن خورشید حاضر از میان رفت. اما با تصویب نخستین قانون مدیریت شهری در ایران یعنی قانون بلدیه در سال ۱۲۸۶ مقام کلانتر در ظرف و محتوای جدید احیاء شد و این کلانتر جدید رئیس انجمن بلدیه منتخب مردم بود. قانون بلدیه تا سال ۱۳۰۹ به حیات خود ادامه داد. در همان

سال قانون بلدیة دیگری به تصویب رسید که کلاتر در آن جای نداشت و به جای او رئیس بلدیة قرار گرفته بود که به جای انتخاب از سوی مردم از سوی وزارت داخله تعیین می شد. و بدین ترتیب مدیریت شهری دموکراتیک در کشور متوقف شد. قانون اصلی مدیریت شهری یعنی شهرداری که در سال ۱۳۳۴ در ایران به تصویب رسید، وزارت کشور را به جای انجمن شهر در هنگام نبود این نهاد گماشت. گردش امور شهرداری‌ها از سوی این وزارتخانه بدل به سنتی ماندگار شد، شهرداران در حکم ماموران به شمار آمدند و احکامشان حسب اندازه شهرشان صادره از شاه، وزیر کشور و استانداران بود (جاجرمی، ۱۳۸۲: ۱۰).

مدیریت شهری از منظر وظایف شورای شهر و شهرداری در ایران

شورای شهر و وظایف آن:

شورا تجسم فیزیکی دموکراسی توده مردم و نخستین نهاد اجتماعی است که همکاری جامعه بشری برای یک هدف مشترک از دلائل عمده شکل گیری آن بوده است. در حال حاضر شورای شهر مهمترین رکن مدیریت شهری در اکثر کشورهای دنیا به حساب می آید و وظیفه قانونگذاری و خط مشی گذاری در سطح محلی را بر عهده دارد. در سال های اخیر تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور، حاکی از عکس العمل مسئولین در رویارویی با چالش های پیش آمده در عرصه برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری است. به طوری که موجبات بیشتر مشارکت مردم را فراهم آورده و از تصدی امر دولت کاسته شود و با تشکیل شوراهای اسلامی فرصتی برای دستیابی به اهداف تمرکز زدایی و تحول نظام متمرکز برنامه ریزی توسعه شهری و مدیریت اجرایی کشور با نگرش شورایی پیش آمده است (حناچی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۵۱).

اما در کشور ما بار عظیم مدیریت شهری تا گذشته ای نزدیک کاملاً به دوش دولت و با دخالت و نظارت دولت بوده است. اگر چه با تشکیل شوراهای اسلامی شهرها و انتخابی شدن اعضای این شوراها و شهرداری‌ها در کشورمان گامی بسیار مهم در مردمی کردن مدیریت شهری برداشته ایم، لکن حمل بار مسئولیت مدیریت شهرها توسط دولت عادت شده است، که ترک آن به سادگی و آسانی میسر نیست. برای کارگزاران دولتی که عادت داشته اند، نهادهای محلی را کاملاً تابع خود ببینند ممکن است این تصور وجود داشته باشد که دادن اختیارات کامل به شوراهای شهرها و شهرداری‌ها، بخش عمده ای از اختیاراتشان را از ایشان بستاند و نهادهای محلی را به صورت نهادهایی خودسر درآورد (مزینی، ۱۳۷۹: ۴۹). بنابراین به لحاظ ساختاری وظایف شورای شهر در حال حاضر محدود به شهرداری است و البته دایره عملکرد شهرداری نسبت به کشورهای پیشرفته هم خیلی گسترده نیست. گذشته از ابهامات زیادی که در قوانین اجرایی شوراها وجود دارد، تجربه سالهای گذشته شوراها نشان می دهد، اداراتی که مطابق قانون به طرق مستقیم با زندگی و حیات شهری در ارتباط هستند، عملاً دور از چشم مردم برنامه ریزی می کنند و عملاً هیچ نظارت و ارزیابی کارایی از طرف شوراها در کار آنها وجود ندارد. ادارات مختلف مانند ثبت احوال، ثبت اسناد، شرکت های آب، برق، گاز و غیره. همه مستقل و متمرکز برنامه ریزی می کنند (صارم سنگسری، ۱۳۸: ۳۰۴). در نتیجه شوراهای شهر که زمانی با هدف واگذاری اداره امور شهر به مردم و مشارکت هرچه وسیع تر آنها در تصمیم گیری ها و همچنین تسریع در عمران و توسعه شهرها و روستاها تشکیل شده بودند، اکنون در وضعیتی هستند که می توان آن را به جزیره ای دور از ساحل تشبیه کرد. در مجموع شوراها در وضعیت کنونی برای تحقق وظایفی که قانون بر عهده آنها گذاشته است، اختیارات لازم و کافی ندارند.

در حال حاضر به دلیل وجود مشکلاتی نظیر نارساییها و تنگناهای قانونی، مانند چگونگی حضور بخشها و دستگاه های مختلف اجرایی دولتی و سایر نهادهای عمومی در توسعه شهری، وجود مشکلات نظام برنامه ریزی، مشکلات ساختاری و مدیریتی

مانند عدم استقلال شوراها به عنوان سازمان‌های اداره کننده شهری، مشخص نبودن جایگاه شوراها به عنوان نهاد مستقل مدیریتی در سطح محلی، عدم وجود هماهنگیهای لازم بین نهادهای محلی و سازمان‌های بخش دولتی در برنامه ریزی و اجرا، عدم اعطای اختیارات کافی به شوراها، خارج نمودن فعالیتهای مهم شهری از حیطه وظایف شوراها، عدم کنترل شوراها بر تخصیص بودجه، ضرورت بازنگری و جستجوی منابع مالی جدید برای فعالیتهای توسعه و عمران شهری از چالش‌های اساسی هستند، که شوراها شهر با آن روبرو می باشند. به دلیل وجود اینگونه مشکلات اساسی است، که شوراها نمی توانند بر روند تهیه طرح‌های توسعه شهری نظارت داشته باشند و بنابراین این طرح‌ها بدون مشارکت نهادهای محلی و شهروندان تهیه و تدوین شده و بالتبع در عمل با شکست مواجه می گردند. در نتیجه شوراها هر شهر می بایست متناسب با مسائل محلی خود و از طریق یک فرایند برنامه ریزی بر پایه مشارکت و توافق بر سر اولویتها و با توجه به همه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اقدام به تهیه استراتژی‌های مناسب، اتخاذ سیاست‌های کارا و هماهنگ و سرمایه گذاریهای صحیح که در آن مجموعه منافع افراد و مصالح جامعه دیده شده باشد، بنمایند.

جدول شماره (۱) شرح وظایف شورای اسلامی شهردار ایران

شرح وظیفه	طبقه بندی وظایف
<ul style="list-style-type: none"> • انتخاب شهردار به مدت چهار سال؛ • بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارساییهای حوزه انتخابیه و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل‌های کاربردی جهت برنامه ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط؛ • نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی در صورتیکه این نظارت مخل جریان عادی امور نگردد؛ • همکاری با مسئولان اجرایی، نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف بنا به درخواست آنان؛ • تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاه‌های ذیربط؛ • برنامه ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات مختلف با موافقت دستگاه‌های ذیربط. 	سیاستگذاری، قانونگذاری، برنامه ریزی و نظارت
<ul style="list-style-type: none"> • دستورالعمل‌های وزارت کشور؛ تصویب آیین نامه‌های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی و با رعایت دستور امور سازمانی، تشکیلاتی و مالی؛ • تصویب اساسنامه موسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری با تایید و موافقت وزارت کشور؛ • نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی‌های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیرمنقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه ای که مخل جریان عادی امور شهرداری نباشد؛ • تایید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یکبار توسط شهرداری تهیه می شود و انتشار آن برای اطلاع عموم و ارسال نسخه ای از آن برای وزارت کشور؛ • تصویب بودجه، اصلاح و متمم بودجه سالانه شهرداری و موسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری 	امور سازمانی، تشکیلاتی و مالی

<p>با رعایت آیین نامه های مالی شهرداری ها و همچنین تصویب بودجه شورای شهر؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • تصویب وامهای پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ، مدت و میزان کارمزد؛ • تصویب معاملات و نظارت بر آنها اعم از خرید، فروش، مقاطعه، اجاره و استیجاره که بنام شهر و شهرداری صورت می پذیرد. 	
<ul style="list-style-type: none"> • همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرح های هادی و جامع شهرسازی پس از تهیه آن توسط شهرداری با تایید وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی؛ • تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیرمحمصور شهری از نظر بهداشت، آسایش عموم ی، عمران و زیبایی؛ وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تأسیسات شهری؛ • نظارت بر اجرای طرح های مربوط به ایجاد و توسعه معابر و خیابان ها، میداین، فضاهای سبز و تاسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه. 	امور فنی و عمرانی
<ul style="list-style-type: none"> • نظارت بر امور بهداشت حفر شهر؛ • نظارت بر امور تماشاخانه ها، سینماها و دیگر اماکن عمومی و وضع و تدوین مقررات خاص برای این اماکن؛ • نظارت بر ایجاد گورستان، غسلخانه و تهیه وسایل حمل اموات؛ • تصویب نامگذاری معابر، میداین، خیابان ها، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییر نام آنها؛ • تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شورای شهر جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الحاق هر نوع نوشته و آگهی. 	امور خدماتی

مأخذ: (کاظمیان، ۱۳۷۶: ۱۵)

شهرداری و وظایف آن

شهرداری سازمانی منتخب که با مشارکت اهالی یک محل انتخاب شده و به منظور ارائه خدمات عمومی محلی به فعالیت می پردازد. این مؤسسه عمومی و غیره دولتی است اما رسمیت قانونی دارد. زیرا براساس قوانین ملی یا ایالتی تشکیل می گردد. و ازسوی حکومت مرکزی به رسمیت شناخته می شود. شهرداری در اداره امور محلی از استقلال نسبی برخوردار است، اما خود مختاری کامل به حدی که بتواند قوانین اساسی و سایر قوانین لازم الاتباع کشور را نقض نماید، ندارد. مؤسسه شهرداری برای تأمین منابع خود بیشتر بر درآمد های محلی اتکا دارد و کمتر از منابع ملی بهره می جوید. شهرداری معادل مدیریت شهری نیست، اما هسته مرکزی مدیریت شهری را تشکیل می دهد و وظیفه هدایت، نظارت، راهبری و جلب مشارکت سایر عوامل مؤثر بر مدیریت شهری را بر عهده دارد. مهمترین ویژگی شهرداری را می توان محلی بودن آن دانست. این محلی بودن در برابر خصلت بخشی بودن نظام مدیریت کشور است که در آن یک وزارتخانه مسئول تحقق عملکردی خاص مثلاً بهداشت و درمان است و واحد تابعه آن در سطح محلی، سازمان دولتی و رسمی، غیرمنتخب و فاقد استقلال می باشند که صرفاً در زمینه بهداشت، خدمات ارائه می دهند. وجود این شاخص ساختاری مهمترین عامل دگرگونی مداوم وظائف شهرداری از سال ۱۲۸۶ تاکنون است. حتی در نخستین قانون بلدیة ایران به فرابخشی بودن عملکرد شهرداری توجه شده بود و وظایفی مانند تاسیس دارالمساکین و دارالعجزه و مریضخانه در کنار دیگر اختیارات شهرداری مانند مواظبت بر اینکه معابر شهری موافق

نقشه معینی باشند، آمده بود (کاظمیان، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۱). بر اساس قانون شهرداری‌های سال ۱۳۳۴ وظایف متعددی برای شهرداری‌ها تعریف شد که در طول زمان دستخوش تغییراتی شده است. این وظایف را می‌توان به پنج قسمت تقسیم کرد که در جدول بیان شده است.

جدول شماره (۲) شرح وظایف شهرداری‌ها در ایران

وظایف عمرانی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد خیابان‌ها و کوچه‌ها و میدان‌ها و باغ‌های عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود قوانین موضوعه، نگهداری فاضلاب، تسطیح و آسفالت معابر، تنقیه قنوات مربوط به شهر، تهیه و تعیین میدان‌های عمومی برای خرید و فروش، ایجاد غسلخانه و گورستان، ساخت خانه‌های ارزان قیمت، ایجاد ورزشگاه، ایجاد باغ کودکان، ساخت و اداره ترمینال‌های مسافری، تأسیس و اداره سازمان اتوبوسرانی، ایجاد اقدامات مختلف جهت حفاظت و زیباسازی شهر.
وظایف نظارتی	<ul style="list-style-type: none"> اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق، پرکردن و پوشاندن چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر، جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیاء در بالکن‌ها و ایوان‌های مشرف و مجاور به معابر عمومی که افتادن آنها موجب خطر برای عابران است، رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک در معابر و اماکن عمومی، تشریک مساعی با میراث فرهنگی در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمان‌های عمومی و غیره، پیشنهاد برقراری یا الغای عوارض شهری تغییر نوع و میزان عوارض، مراقبت نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار، صدور پروانه ساختمان، تهیه مقررات صنفی، مقابله با سدمعابر، نصب برچسب قیمت.
وظایف بهداشتی	<ul style="list-style-type: none"> اهتمام در شرایط بهداشت در کارخانه‌ها، مراقبت در پاکیزگی گرمابه‌ها، تنظیف معابر، انهار عمومی و مجاری آب‌ها، تخلیه زباله‌های شهری و فضولات ساختمانی به محل‌های مخصوص، مراقبت در امور بهداشت ساکنان شهر و تشریک مساعی با موسسات وزارت بهداشت در تلقیح واکسن و غیره برای جلوگیری از امراض مسری، ایجاد سرویس‌های بهداشت عمومی، جلوگیری از ایجاد صنایع مزاحم، نظارت بر شرایط بهداشتی کارخانه‌ها.
خدمات عمومی	<ul style="list-style-type: none"> تأمین روشنایی، تأمین آب، شماره گذاری اماکن، وضع مقررات برای نامگذاری معابر و نصب لوحه، اقدامات مختلف برای نظافت و زیبایی شهر، نصب تابلوی اعلانات.
خدمات اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> جلوگیری از تکدی‌گری، واداشتن گدایان به کار و توسعه آموزش عمومی، تأسیس نوانخانه و پرورشگاه، ایجاد کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی، تهیه امور مربوط به امور شهر، موالید و متوفیات، تأسیس کتابخانه، نگهداری کودکان بی سرپرست، ایجاد موسسه حمایت از مادران.

مأخذ: استخراج از مجموعه قوانین شهرداری‌ها.

ساختار مدیریت شهری در ایران

در تداوم ویژگی‌های اساسی تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران، در دوره معاصر هم نظام کلان اداری- اجرایی ایران با عنایت به وابستگی‌های ارگانیک آن با سایر ساختارهای اجتماعی و بویژه سطح توسعه یافتگی سیاسی و شاخص‌های آن در زمره نظام‌های بسیار متمرکز طبقه بندی می‌گردد. در این سیستم تمام کارهای مربوطه به اداره امور عمومی، بویژه حوزه تصمیم‌گیری

به نحوی از مقامات مرکزی (و نه حتی سیستمهای مرکزی) نشأت گرفته و یا حداقل می باید تأیید ضمنی آنان را داشته باشند. این سیستم کلان اداری و اجرایی سیستم فراگیر مدیریت شهری محسوب می شود و عناصر اصلی آنرا می توان به سه سطح تقسیم کرد:

سطح کلان: در کشورهای با ساختار حکومتی تک ساخت و تمرکزگرا، از جمله ایران دولت مرکزی در اداره امور محلی نقش گسترده ای را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ایفا می کند. در واقع دولت علاوه بر نظارت بر امور محلی، بخش عمده ای از امور محلی را به صورت متمرکز در اختیار خود و واحدهای تابعه اش قرار داده است (کاظمیان، ۱۳۸۱: ۶۷). بنابراین در این سطح وزارتخانه ها، سازمان ها و دستگاههایی قرار می گیرند که حیطه اختیار و عمل آنها کل کشور است و توانایی تصمیم گیری برای مدیریت شهری در سطح ملی را دارند (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۶۳).

مهمترین این نهادها عبارتند از:

وزارتخانه ها: وزارتخانه های موجود در کشور دارای ماهیت و عملکرد بخشی بوده و کلیه امور تحت تأثیر خود را هدایت و اداره می کنند. این وزارتخانه ها برای پوشش دادن امور مربوط به خود در سطح تمام کشور اقدام به ایجاد سلسله مراتب جغرافیایی منطبق با نظام تقسیمات سیاسی کرده اند. کلیه این واحدهای تابعه تحت نظر واحد مرکزی به انجام وظیفه و اجرای مصوبات و دستورات می پردازند. در این نظام، جریان تصمیم گیری و هدایت بصورت یکطرفه و از بالا به پایین برقرار است و واحدهای پایین دست عموماً از قدرت تصمیم گیری و حتی تصمیم سازی چندانی برخوردار نیستند (کاظمیان، ۱۳۷۳: ۸۸).

وزارتخانه هایی که بیش از سایرین در امر مدیریت شهری ایران نقش دارند عبارتند از:

وزارت کشور: وزارت کشور پرسابقه ترین و دست کم از نظر سیاسی موثرترین وزارتخانه ای است که بر امر مدیریت شهری نظارت و کنترل دارد و این نظارت و کنترل نه تنها از جانب خود وزارتخانه اعمال می شود، بلکه از جانب استانداری ها، فرمانداری ها و بخشداری ها و حتی شهرداری ها، که در حال حاضر تابع وزارت کشور (و یا استانداریها، فرمانداریها و بخشداریها) هستند نیز اعمال می شود (مزینی، ۱۳۷۴: ۲۵).

وزارت مسکن و شهرسازی: وزارت مسکن و شهرسازی در حال حاضر با وزارت راه و ترابری ادغام شده و به عنوان وزارت راه و شهرسازی می باشد. ارتباط وزارت راه و شهرسازی با مدیریت شهری در حیطه مدیریت و نظارت بر طرحهای جامع است. **سازمان ها و عناصر هماهنگ کننده مرکزی:** برای تعدیل و هماهنگ سازی عملکردهای بخشی وزارتخانه های مختلف و ایجاد هماهنگی های بین بخشی، سازمان های هماهنگ کننده ای با ماهیت و عملکرد میان بخشی وجود دارند که از نظر سازمانی در حد معاونت رییس جمهوری مطرح هستند. مهمترین این سازمان ها عبارتند از: معاونت راهبردی رییس جمهور و سازمان امور اداری و استخدامی. در وضعیت موجود بین این سازمان ها نیز تمرکزگرایی زیادی وجود دارد و تقریباً تمام تصمیم گیریهای اصلی آنها در مرکز انجام می گیرد. وظایف هماهنگ کننده ای این سازمان ها نیز بیشتر ماهیت میان بخشی داشته و کمتر جنبه هماهنگی های فضایی- مکانی دارد. برای مثال ارتباط سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق و معاونت راهبردی رییس جمهور فعلی با سیستم مدیریت شهری را می توان بر حسب دو وظیفه عمده آن یعنی برنامه ریزی و تخصیص بودجه تدوین نمود (کاظمیان، ۱۳۸۱: ۶۶-۷۷).

سطح منطقه ای: با توجه به تقسیمهای استانی کشور مدیریت شهری در این سطح نیز قابل بررسی است. در سطح منطقه ای یا استانی، سازمان مستقل مدیریت شهری وجود ندارد. بلکه سازمان های موجود، شعبه های استانی وزارتخانه ها و سازمان های کشوری محسوب می شوند که حیطه اختیار آنها استانی است و بر مدیریت شهری در آن سطح، تأثیر می گذارند.

البته در سطح استانی سازمان همیاری شهرداری‌های استان وجود دارد که عمده کارکردش در زمینه مسائل مالی است. اما مهمترین سازمان موثر بر مدیریت شهری در سطح منطقه ای استانداری است (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۶۷).

استاندار بالاترین مقام اداری موثر بر مدیریت شهری و شهرداری‌ها در سطح استان است. استانداری از فرمانداریها و بخشداریها تشکیل شده و مسائل مربوط به مدیریت شهری را بیشتر از طریق معاونت امور عمرانی پیگیری می کند. این معاونت که می توان آن را تشکیلات استانی معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور دانست، نقش رابط میان وزارت کشور با شهرداریها را بر عهده دارد. وزارت مسکن و شهرسازی و دیگر وزارتخانه ها و سازمان‌های کشوری، هر یک در سطح استان ها، ادارات و شعبه هایی دارند. در میان دیگر عناصر مؤثر بر مدیریت شهری در سطح منطقه ای باید شوراهای اداری برنامه ریزی، کمیسیون ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، شورای تامین استان و شوراهایی مانند شورای ترافیک، کمیسیون نظارت (ماده ۴۸ قانون نظام صنعتی)، و کمیسیون رسیدگی به ساخت و سازهای بی رویه شهری را نام برد. هر یک از این شوراها و کمیسیونها بر حسب مورد از ادارات و سازمان‌هایی تشکیل می شوند و استاندار، عضو ثابت همه آنهاست (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۶۷-۶۸).

سطح محلی مدیریت شهری: مدیریت شهری در سطح محلی را می توان به عنوان مجموعه ای از عناصر رسمی و غیر رسمی مستقر و با حوزه عملکرد محلی تعریف کرد، که اداره امور شهر را بر عهده داشته و یا در آن تأثیر دارند.

عناصر رسمی: عناصر رسمی تصمیم گیری و هدایت نظام مدیریت شهری و یا به عبارت دیگر عناصر محلی تعیین کننده اهداف و سیاستها و برنامه های اجرایی هر شهر خاص عبارتند از:

- شورای اداری شهرستان
- شورای تامین شهرستان
- شورای اسلامی شهر
- فرمانداری
- شهرداری.

عناصر غیر رسمی: سیستم مدیریت شهری نیز مانند هر نظام دیگری از طرف عناصر و سازمانها و تشکیلات غیر رسمی تحت تاثیر قرار می گیرد و هر کدام از آنها تلاش می کنند تا مدیریت شهری و تصمیمات آن را با منافع و خواسته های خود همگام سازند. این عناصر در سطوح محلی تاثیر زیادی بر هدایت کانون های قدرت محلی و تصمیمات آنها دارند. عناصر غیررسمی موثر بر مدیریت شهری در سطح محلی عبارتند از:

- نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- ائمه جمعه و جماعات
- افراد و گروه‌های فشار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- مجامع تخصصی و گروه متخصصین (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۷۰).

مدیریت شهری از منظر وظایف سازمان‌های بخشی دست انداز کار در امور شهر

بطور کلی ارگان‌ها و نهادهای مختلفی در یک شهر وجود دارند که به نوعی در مدیریت شهری دخیل می‌باشند. بعضی از آنها علاوه بر اینکه در سطح ملی انجام وظیفه می‌کنند، در سطح یک استان و شهر وظایفی را نیز بر عهده دارند. سازمان‌های مرتبط با مقوله مدیریت شهری در ایران و وظایف آنها:

۱- در سطح ملی ۲- منطقه ای ۳- محلی

سطح ملی: این گونه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ایی که در سطح ملی مطرح هستند تصمیمات و اقدامات آنها مربوط به همه شهرهای کشور می‌شود و مصوبات آنها در زمینه‌های مربوطه برای شهرها لازم‌الاجرا خواهد بود. در کشورهایی همچون ایران که سیستم حکومتی مرکزی دارند، دولت مرکزی علاوه بر نظارت بر امور محلی، بخش عمده از امور محلی را به صورت متمرکز در اختیار خود و واحدهای تابعش قرار داده است. عناصر ملی و مرکزی ذیربط مدیریت شهری در ایران عبارتند از وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و سازمان شهرداری‌های کشور.

وزارت کشور و وظایف آن: مهمترین عنصر ملی مؤثر در مدیریت شهری و شهرداری‌ها، وزارت کشور است. دخالت وزارت کشور در امور شهرداری‌ها را می‌توان در موارد ۱، ۲، ۵۴، ۷۷، ۸۴، ۹۹، قانون شهرداری‌ها، ماده ۲ قانون تشکیلات شورای اسلامی، ماده ۵۲-۵۸ و ۶۲ اصلاحی قانون شهرداری‌ها، بند ب ماده ۴۴ آئین نامه‌های شهرداری و مواد ۳، ۱۵، ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری به وضوح ملاحظه نمود. براساس ماده ۴۲ قانون شهرداری‌ها مادامی که که انجمن شهر تشکیل نشده و یا عده‌ای انجمن به حد نصاب قانونی نرسیده باشد وزارت کشور جایگزین آن می‌شود (ایمانی جاجرمی، سعیدی رضوانی، ۱۳۷۴: ۱۲).

وزارت کشور در قیاس با شهرداری وظایف و اختیارات بسیار و گسترده و متنوعی را در قبال شهر داراست. این وظایف را در پنج محور عمومی می‌توان طبقه بندی کرد:

الف: نظارت و راهنمایی شهرداری‌ها در انجام وظایف محوله و مراقبت بر تأمین مایحتاج عمومی

ب: نظارت در اجرای کلیه قوانین، آئین نامه‌ها و مقررات مربوطه به شهرداری‌ها

ج: نظارت بر حسن و اجرای قوانین نوسازی و عمران

پ: تعیین نیازمندی‌های اقتصادی

د: اعمال نظارت قانونی بر امور کلیه شوراها از جمله شورای شهر (کاظمیان، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۱: ۶۹).

وظایف مسکن و شهرسازی: وزارت مسکن و شهرسازی که در حال حاضر با وزارت راه و ترابری ادغام شده و به وزارت راه و شهرسازی تغییر نام یافته است. وظایف این سازمان را در ۴ مورد می‌توان بررسی کرد.

۱- ارتباط نظارتی کنترل کننده: نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های مصوب توسعه شهر و مقررات مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری

۲- اجرای پروژه‌های عمرانی: تهیه، اجرا و نظارت پروژه‌های عمرانی با اعتبارات ملی بزرگ تا حداقل ۵۰ میلیون ریال هزینه اعم از طرح خانه سازی و ساختمان‌های دولتی در محدوده شهرهاست

۳- تهیه و اجرای طرح‌های آماده سازی زمین: آماده سازی زمین در محدوده شهرها و واگذاری آن به متقاضیان

۴- تهیه، تصویب و ابلاغ معیارها، ضوابط و آئین نامه‌های شهرسازی.

وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری:

این شورا عالیترین مرجع سیاستگذاری و تصویب کننده خطوط کلان توسعه شهری و شهرسازی کشور است که از ۱۱ نفر از وزرا و معاونین رئیس جمهور تشکیل شده است. این شورا وظیفه سیاست های کلی شهرسازی و بررسی و تصویب نهایی طرح های جامع شهری و معیار و ضوابط آئین نامه ای شهرسازی را بر عهده دارد.

سازمان شهرداری های کشور و وظایف آن:

این سازمان در سال ۱۳۶۵ و به استناد ماده ۶۲ قانون شهرداری ها به تصویب هیأت دولت رسید. این سازمان جایگزین اتحادیه شهرداری ها گردید که در سال ۱۳۵۹ منحل شده بود. سال تاسیس این سازمان سال ۱۳۸۱ است و قبل از تاسیس آن معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور و وظائف آن را انجام می داد. عمده هدف های اصلی این سازمان را می توان بصورت زیر نوشت :

- کمک به بهبود وضع شهرداری های کشور از طریق آموزش و راهنمایی آنها
- ایجاد هماهنگی بین شهرداری های کشور و همچنین شهرداری ها با وزارتخانه ها و سازمان های دولتی و خصوصی و بین المللی
- مطالعه و تحقیق در کلیه امور مربوط به شهرداری
- نظارت و کنترل در خصوص حسن اجرای وظائف شهرداری
- کمک به خودکفایی نسبی شهرداری ها

سطح منطقه ای

منظور از سطح منطقه ای همان سطح استانی است. عناصر تأثیرگذار در مدیریت شهری در این سطح همان شهرهای استانی عناصر ملی هستند به جزء سازمان همیاری شهرداری که عملکرد عمده آنها در زمینه مالی است. تصمیمات و مصوبات این عناصر در محدوده جغرافیایی همان منطقه لازم الاجرا است.. این عناصر شامل موارد زیر است:

- استانداری
- سازمان مسکن و شهرسازی
- شورای شهرسازی استان و کمیته ماده ۵ (کازمیان، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۱: ۶۸ - ۸۴).

سطح محلی

عناصر تأثیرگذار در سطح محلی که از مهمترین عناصر در مدیریت یک شهر نیز محسوب می شوند را می توان به دو گروه رسمی و غیر رسمی تقسیم بندی کرد. عناصر رسمی که به لحاظ قانونی می توانند از اختیاراتشان استفاده کرده و در مدیریت شهری تأثیرگذار باشند. اما عناصر غیر رسمی بیشتر از نفوذ سیاسی، اقتصادی و مذهبی خود در جهت دستیابی به برخی از اهداف استفاده می کنند و مدیریت شهری را تحت تأثیر قرار می دهند.

عناصر رسمی و وظایف آنها

- شورای اداری شهرستان:

این شورا به ریاست فرماندار و با شرکت معاون فرمانداری و روسای اداره های شهرستان تشکیل می شود که وظیفه هماهنگ کردن فعالیت های اداره های مختلف در سطح شهرستان و شهر را به عهده دارند.

- شورای تأمین شهرستان:

وظیفه این شورا سیاست گذاری و کنترل امور امنیتی شهرستان و شهر است که با ریاست فرماندار و عضویت و روسای امنیتی و انتظامی تشکیل می شود.

- شورای اسلامی شهر:

در مورد وظایف و اختیارات و اهداف شوراهای اسلامی که قبلاً مورد اشاره و بحث قرار گرفته است.

- فرمانداری:

وابستگی بیش از حد شهرداری ها به وزارت کشور موجب شده که فرمانداری و فرماندار که نماینده وزارت کشور در سطح شهرستان هستند، نقش زیادی در مدیریت شهری ایفاء کنند و شهرداری ها نیز در موارد بیشماری مجبور به تبعیت از فرمانداری هستند.

- شهرداری:

شهرداری علاوه بر مجموعه وظایف اجرایی و عملیاتی که مدیریت شهری بر عهده دارد، در سطح محلی از عناصر اصلی تصمیم گیری و تصمیم سازی بشمار می رود. در وضع موجود بویژه در سال های اخیر بسیاری از تصمیمات متخذه در مورد شهر توسط مراجع مختلف ارتباط مستقیم با خواسته ها و تصمیم سازی شهرداری ها دارد. میزان این تأثیرگذاری بر حسب شرایط مختلف و قدرت شهرداران مختلف متفاوت بوده و جنبه غیر رسمی آن بیشتر از ابعاد رسمی و قانونی است.

عناصر غیر رسمی و وظایف آنها:

عناصر غیر رسمی سعی دارند تا تحت الشعاع قرار داده و به نوعی با خود همراه کنند از جمله این عناصر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جریان های سیاسی - اجتماعی حاکم بر شهر و کانون های قدرت شهری

- نمایندگان مجلس شورای اسلامی : این گروه با استفاده از نفوذ و قدرت سیاسی و قانونگذاری به اخذ اعتبارات دولتی در تصمیم گیری ها تأثیر می گذارند.

- ائمه جمعه: این گروه با استفاده از قدرت سیاسی و اجتماعی می توانند در تصمیم گیری ها تأثیر داشته باشند.

- سرمایه داران و سایر صاحبان عوامل اقتصادی: این گروه که شامل افرادی از قبیل زمین داران، کارخانه داران و امثال هم می شوند، با استفاده از قدرت مالی خود در تصمیم گیری ها تأثیر می گذارند.

- مجامع و گروه های ذریبط عمران و مدیریت شهری با استفاده از قدرت حرفه ای. از جمله این سازمان ها می توان به سازمان نظام مهندسی اشاره کرد (کازمیان، سعیدی رضوانی، ۱۳۸۱: ۸۵ - ۹۳).

- شورای اسلامی شهر:

شورای اسلامی شهر بعد از انقلاب و بر اساس قانون تشکیل شوراهای اسلامی در سال ۱۳۶۱ تصویب شد، جایگزین انجمن شهر گردید. طبق قانون شوراهای اسلامی شورای شهر با هدف پیشبرد برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و دیگر امور رفاهی با همکاری مردم و نظارت بر امور شهر تشکیل می شود. هر شورا چهار سال فعالیت دارد.

نقش مدیریت شهری در توسعه شهری

در توسعه شهرها عوامل و عناصر متعددی دخالت دارند که یکی از آنها نظام مدیریت شهری است. در این نظام نقش عناصر و نهادهای مدیریت شهری یا افراد و گروه های ذی نفوذ (در سطح منطقه ای و محلی) و تأثیر تصمیمات آنها در توسعه شهری قابل تأمل است. این نهادهای سیاستگذار و تصمیم گیر هر یک به نوعی در توسعه شهری نقش داشته اند، که در زیر به نقش مدیریت شهری در توسعه شهری می پردازیم.

- بهبود سکونتگاه های انسانی و گسترش خدمات عمومی؛
- توسعه همه جانبه و پایدار محیط شهری؛
- تنظیم برنامه های شهر، نحوه برخورد با مسائل شهرها و هدایت منطقی شهر؛
- ساماندهی عوامل و منابع برای پاسخ گویی به نیازهای ساکنان شهر؛
- کنترل رشد و توسعه فیزیکی شهر و انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر؛
- تأمین منافع عمومی، رعایت حقوق شهروندان، خواسته ها و مطالبات شهروندان؛
- تعدیل و تنظیم زمین و ذخیره آن جهت گسترش آتی شهر؛
- در نظر گرفتن تأمین توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و منافع عمومی در روند گسترش شهرها؛
- برقراری تعادل بین منافع نیروها و گروه های مختلف و متعارض اجتماعی؛
- حفظ و بهبود محیط کالبدی شهرها، محیط زیست شهری، ایمنی شهر، حمل و نقل شهری و غیره؛
- توسعه کمیت و کیفیت زندگی شهری و خواسته های دولت و شهروندان؛
- اجرای پروژه های عمده شهری؛
- پیشنهاد یا ایجاد تغییر کاربری در کمیون ماده پنج؛
- ایجاد یا افزایش کاربری ها مانند کاربری اداری، درمانی، نظامی و انتظامی و دیگر کاربری های شهری؛
- صدور پروانه های ساختمانی از سوی شهرداری ها؛
- سیاست و گذاری زمین و مالکیت اراضی؛
- اجرای پروژه های انبوه سازی؛
- کسب درآمد شهرداری از منابعی مانند پروانه های ساختمانی، تراکم و تفکیک اراضی، نوسازی، پارکینگ، بالکن و پیش آمدگی و غیره.

منابع مأخذ:

۱. ایمانی جاجرمی، حسین، «شهردار یا مدیر شهرداری: تناقض در مدیریت شهری ایرانی»، فصلنامه شهر، سال چهارم، شماره ۲۵، سال ۱۳۸۲.
۲. ایمانی جاجرمی، حسین و سعیدی رضوانی، نوید، دو مقاله در خصوص مدیریت شهری در ایران، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۴.
۳. باستیه، ژان و برنارد درز، شهر، ترجمه دکتر علی اشرفی، تهران، انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۹۲.
۴. برک پور، ناصر و اسدی، ایرج، مدیریت و حکمروایی شهری، تهران، دانشگاه هنر، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۵. بهرامی، نهاله، «چالش های مدیریت شهری را دریابیم: نگاهی به یکپارچگی مدیریت شهری»، گسترش صنعت، ۱۳۸۸.
۶. حناچی، سیمین، بررسی نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری در ایران، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد سوم، نظام برنامه ریزی، انتشارات دانشکده هنر و معماری شیراز، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. دبیر اجرایی کمیسیون سکونتگاه های انسانی سازمان ملل، بهبود مدیریت شهری، ترجمه سعید رضوانی، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران، ۱۳۸۳.
۸. رحیمی، حسین، توسعه پایدار شهری با تأکید بر توان های محیطی، رساله دکتری جغرافیای انسانی مورد کاشمر، ۱۳۷۸.
۹. رضویان، م، مدیریت عمران شهری، تهران، انتشارات پیوند نو، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۰. زنگی آبادی، علی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری کرمان، مرکز انتشارات کرمان شناسی، ۱۳۹۶.
۱۱. سعیدنیا، احمد، مجموعه کتاب سبز شهرداری ها مدیریت شهری، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، ۱۳۷۹.
۱۲. سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا، امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری ها، ۱۳۸۱.
۱۳. شهبان، ف، جایگاه اطلاعات و فن آوری در مدیریت IT و برنامه ریزی شهری، شهر نگار، انتشارات پردازش، شماره ۲۶، ۱۳۸۳.
۱۴. شیعه، اسماعیل، کارگاه برنامه ریزی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
۱۵. شیعه، اسماعیل، «لزم تحول مدیریت شهری در ایران»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، ۱۳۸۲.
۱۶. صرم سنگسری، عبدالرضا، مشارکت در مدیریت شهری، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد دوم؛ مدیریت شهری، انتشارات دانشکده هنر و معماری شیراز، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۷. صرافی، مظفر، «شهر پایدار چیست»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، سال اول، ۱۳۷۹.
۱۸. صرافی، مظفر و دیگران، «مفهوم، مبانی و چالش های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۹.
۱۹. عبدالمجید، مجید و اکبری، غضنفر، مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری، انتشارات قلمستان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
۲۰. غفاری گیلانده، عطاء، ساماندهی نظام تجاری شهر و ارائه الگوی مناسب، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۸۶.
۲۱. کاظمیان، غلامرضا، «شورای شهر یا شهرداری»، ماهنامه شهرداری ها، سال دوم، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.

۲۲. کاظمیان، غلامرضا، طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن، وزارت مسکن و شهرسازی، مرحله اول، ۱۳۷۵.
۲۳. کاظمیان، غلامرضا، «مدیریت کلانشهر تهران: واگرایی عملکردی و فضایی»، معماری و شهرسازی، شماره ۳۶ و ۳۷، اردیبهشت ۱۳۷۶.
۲۴. کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید، امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها، جلد چهارم، انتشارات شهرداری‌ها، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۵. کمیته پژوهش توسعه شهری، مجموعه مقالات توسعه شهری (۱)، تهران، انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران، ۱۳۸۷.
۲۶. مرکز مطالعات در برنامه ریزی شهری تهران، نحوه مدیریت شهری در برخی از کشورهای مهم جهان، نشر بی تا، ۱۳۸۲.
۲۷. مزینی، منوچهر، بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران، تهران، نشر مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۸. مزینی، منوچهر، «شورا و مدیریت شهری در ایران»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲، سال اول، ۱۳۷۹.
۲۹. مزینی، منوچهر، مدیریت شهری و روستایی در ایران؛ مشکلات و امکانات آن، انتشارات وزارت مسکن، چاپ پوپک، ۱۳۷۴.
۳۰. مشهدیزاده دهقانی، ناصر، تحلیل ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۳.
۳۱. معاونت شهرسازی و معماری، طرح بررسی مسائل توسعه شهری مناطق تهران، شهرداری تهران، ۱۳۸۳.
۳۲. منافی، مهرداد، «نقش و عملکرد شوراهاى اسلامى در نظام مدیریت شهری»، نشریه مدیریت، ۱۳۹۲.
۳۳. نجاتی حسینی، سیدمحمود، برنامه ریزی و مدیریت شهری: مسائل و چالش‌های تجربی، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم، ۱۳۹۳.